

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 4, Summer 2021, 85-111
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.34210.2087

Identification of Institutional Barriers to Regional Entrepreneurship Development

**(A Critical Approach to Historical System of Entrepreneurship
Development Policy Making)**

Bahman Khodapanah^{*}, Mohammad Ali Moradi^{}**

Hamid Padash^{*}, Kamal Sakhdari^{****}**

Abstract

Entrepreneurship transforms the challenges of regions into opportunities such as increasing employment and income rates, reducing crimes caused by unemployment and poverty. Clearly, entrepreneurship development is not possible without efficient institutions that respond creatively and entrepreneurially to local and regional issues and challenges. Hence, the purpose of the present study is to identify the institutional barriers to entrepreneurship development in Iran from a historical perspective before the Islamic Revolution of 1979. Therefore, 12 sources related to Iran's underdevelopment have been selected and were analyzed by using the theme analysis strategy and Atlas T software in two stages of open and axial coding. According to the results, the main root of entrepreneurship underdevelopment in Iran should be examined in the course of history, and the unfavorable business environment at the present time is not the only reason for the lack of entrepreneurship development in Iran. The most important institutional barriers identified in the studied texts can be classified into 6 main categories: administrative barriers,

* PhD Candidate, Faculty of entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran, khodapanah@ut.ac.ir.

** Associate Professor Faculty of entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), mmoradi@ut.ac.ir.

*** Assistant Prof. Faculty of entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran, padash@ut.ac.ir.

**** Assistant Prof. Faculty of entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran, kasakhdari@ut.ac.ir.

Date received: 03/01/2021, Date of acceptance: 03/04/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

economic barriers, social and cultural barriers, legal and regulatory barriers, political barriers, personal and cognitive barriers, which are part of these barriers (administrative, economic, legal-regulatory, political) in the category of formal institutions and another part (socio-cultural and cognitive-personal) in the category of informal institutions.

Keywords: Entrepreneurship Development Policy Making, Regional Entrepreneurship, Institutional Barriers, Historical Approach

شناسایی موانع نهادی توسعه کارآفرینی منطقه‌ای در ایران (رویکردی انتقادی به نظام تاریخی سیاست‌گذاری کارآفرینی)^۱

بهمن خداپناه^{*}، محمد علی مرادی^{**}

حمید پاداش^{***}، کمال سخدری^{****}

چکیده

کارآفرینی با تبدیل چالش‌ها و مسائل به فرصت‌هایی چون افزایش نرخ اشتغال و درآمد، کاهش جرائم ناشی از بیکاری و فقر و همچنین افزایش خودکفایی به تأثیرگذاری در جوامع می‌پردازد. تحقیق حاضر با رویکرد کیفی به شناسایی موانع نهادی توسعه کارآفرینی در ایران از منظر تاریخی پرداخته و در همین راستا ۱۰ اثر مرتبط با عدم توسعه یافتگی ایران که ناظر بر نظام برنامه‌ریزی قبل از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ بوده انتخاب گردیده و با استفاده از استراتژی تحلیل تم و بهره‌گیری از نرم افزار اطلس تی. آی، در دو مرحله کدگذاری باز و محوری تحلیل گردیدند. طبق نتایج بدست آمده ریشه اصلی عدم توسعه یافتگی کارآفرینی در ایران را بایستی در گذرگاه تاریخ بررسی نمود و مساعد نبودن محیط کسب و کار در زمان فعلی تنها دلیل عدم توسعه یافتگی کارآفرینی در کشور نیست. مهم‌ترین موانع نهادی شناسایی شده در متون مورد بررسی در ۶ طبقه اصلی اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قانونی و مقرراتی، سیاسی و شخصی - شناختی قابل دسته بندی است که بخشی از این موانع

* دانشجوی دکتری کارآفرینی، گروه توسعه، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، ایران، khodapanah@ut.ac.ir

** دانشیار گروه توسعه کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

mmoradi@ut.ac.ir

*** استادیار گروه کارآفرینی سازمانی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران، padash@ut.ac.ir

**** استادیار گروه کارآفرینی سازمانی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران، kasakhdari@ut.ac.ir

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

(اداری، اقتصادی، قانونی - مقرراتی، سیاسی) در طبقه نهادهای رسمی و بخشی دیگر (اجتماعی - فرهنگی و شناختی - شخصی) در طبقه نهادهای غیر رسمی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی، کارآفرینی منطقه‌ای، موانع نهادی، رویکرد تاریخی.

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، کارآفرینی با فرایند خلق و پیگیری فرصت‌های نوآورانه برای تولید ارزش در جامعه به عنوان ابزار و مکانیزم توسعه اقتصادی و اجتماعی توسط نویسندگان و سیاست‌گذاران مورد توجه قرار گرفته است (Roundy and Dutch 2018). با مروری بر اقتصاد کشورهای مختلف مشخص می‌شود که برخی مناطق نسبت به مناطق دیگر دارای عملکرد اقتصادی بهتری هستند و افراد بیشتری درگیر فعالیت‌های کارآفرینانه هستند و در مقایسه با میانگین کشور رشد اقتصادی بالاتری دارند (Chaston, 2017). این رشد فزاینده ناشی از ساختار اقتصادی مناسب، وجود مزیت‌های نسبی در فعالیت‌های مختلف و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح است. زمینه نهادی شامل ساختار فرهنگی، ماهیت فرصت‌های کارآفرینانه و مردمی که آن فرصت‌ها را شناسایی کرده و اقدام به بهره‌برداری از آن می‌نمایند را تحت تاثیر قرار می‌دهد (Alia, Kelley and Levieb 2019).

نادیده گرفتن استعدادها، توانایی‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه مناطق صورت نگیرد و با وجود اجرای برنامه‌های متعدد توسعه ملی و منطقه‌ای همچنان روند توسعه‌نیافتگی مناطق ادامه یابد (کرمی و آگهی، ۱۳۹۴)، بنابراین در صورتی که عوامل موثر بر رشد اقتصادی مناطق شناسایی و درک درستی از توانمندی‌ها و تنگناهای آن مناطق فراهم شود، می‌توان زمینه ارتقای سطح سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مناطق تصمیم‌گیری درست و مبتنی بر آگاهی را برای سیاست‌گذاران ملی و منطقه‌ای فراهم کرد.

سطح منطقه‌ای به عنوان سطحی از فضای مدیریت و اجرای سیاست‌های توسعه‌ای همواره مورد توجه محافل علمی، سیاست‌گذاری و اجرایی بوده است. از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توسعه منطقه‌ای و محلی به عنوان فعالیتی مهم هم در سطح ملی و هم در سطح دولت‌های محلی و منطقه‌ای در سراسر جهان به طور روز افزونی مورد توجه قرار گرفت (Pike, Rodriguez-Pose and Tomaney 2006). در ایران نیز با روی کار آمدن دولت مدرن و

آغاز برنامه‌های توسعه که روابط پیشامدرن بین شهرها و روستاها و بین مناطق مختلف کشور را از هم گسیخت، نابرابری‌های منطقه‌ای به عنوان مشکلی بغرنج شکل گرفت. به همین خاطر از دهه ۱۳۴۰ رویکرد توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت و سیاست و ابزارهای مختلفی برای کاهش نابرابری‌های منطق‌های به کار گرفته شد. با این حال و علی‌رغم سابقه و قدمت سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای در ایران در بیشتر این اقدامات همواره این نکته مورد غفلت قرار گرفته که ایران سرزمینی وسیع است که تنوع و تکثر، وجه غالب آن را تشکیل داده است (فرجی زاده، کاظمیان، و افتخاری، ۱۳۸۴). بنابراین دستیابی به اهداف کلان توسعه ملی مشروط به درک و شناخت همه جانبه سطوح محلی و منطقه‌ای است. ضمن اینکه برنامه‌ریزی‌های ملی بدون واسطه برنامه‌ریزی‌های محلی و منطقه‌ای قادر به شناخت پتانسیل‌ها و محدودیت‌های محلی و منطقه‌ای نبوده و در تدوین اهداف توسعه‌ای خود با مشکلات اساسی مواجه خواهد بود. نتیجه این امر کم توجهی به تحول پارادایم‌های سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای و کاستی در شیوه مدیریت اجرایی و عملیاتی شدن راهبردهای کلان توسعه ملی و سرانجام تحقق نیافتن کامل اهداف سیاست‌گذاری‌ها است (فرجی زاده، کاظمیان، و افتخاری، ۱۳۸۴).

با توجه به مطالب عنوان شده، بررسی ادبیات نظری و تجربی نشان دهنده این حقیقت است که مطالعه‌ای که موانع توسعه کارآفرینی را از منظر نهادی مورد بررسی قرار داده باشد تا کنون انجام نشده است. لذا تحقیق حاضر به دنبال آن است که به بررسی ریشه‌ای و تاریخی موانع نهادی کارآفرینی در کشور بپردازد. از این رو، قسمت دوم مقاله به مبانی نظری پژوهش پرداخته خواهد شد. بخش سوم مقاله روش‌شناسی پژوهش را مورد بررسی قرار خواهد نمود، در بخش چهارم، تحلیل یافته‌ها مشخص گردیده و نهایتاً در بخش پنجم نتیجه‌گیری نموده و پیشنهادهای را از منظر سیاست‌گذاری ارائه خواهیم نمود.

۲. مبانی نظری

۱,۲ کارآفرینی منطقه‌ای

کارآفرینان، به واسطه محصولات و خدمات بی‌بدیلی که خلق می‌کنند، موتور اشتغال آفرینی، پیشرفت فناورانه و رشد اقتصادی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه هستند (Andreas, et al. 2020). جدای از تأثیر اقتصادی، شواهد حکایت از این واقعیت دارد که

کارآفرینی توانایی شکل دادن به فرهنگ، از طریق نفوذ بر نهادها را دارد و به‌وسیله ارائه راه‌حل به مشکلات موجود در جوامع عملکرد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Rindova, Barry, & Ketchen, 2009). با این نگاه، کارآفرینی به‌عنوان منبع رستگاری (Emancipation) استقلال مالی، ترویج و ارتقای خلاقیت و منخرب وضعیت موجود تلقی می‌شود (Stevenson, 1986).

بوسما و استرنبرگ (۲۰۱۴) در یکی از پژوهش‌های خود، با در نظر گرفتن جنبه‌های فضایی و جغرافیایی برای کارآفرینی، چهار سطح فراملی (برای مثال اتحادیه اروپا)، ملی (کشور)، منطقه‌ای (برای مثال مناطق شهری) و سطح محلی برای آن در نظر گرفته‌اند (Bosma & Sternberg, 2014). کارآفرینی منطقه‌ای پدیده‌ای نوین در حوزه مطالعات کارآفرینی است که به خاطر همین بدعت و میان‌رشته‌ای بودن آن و نادیده گرفتن جنبه‌های فضایی در پدیده کارآفرینی تاکنون نتوانسته است از تعریف واحدی برخوردار باشد و هنوز راه زیادی تا شناخت واقعی آن باقی است. برخی از تعاریف متعارف کارآفرینی منطقه‌ای در جدول شماره (۱)، آمده است.

جدول ۱. تعاریف مختلف کارآفرینی منطقه‌ای

تعریف	نویسنده
کارآفرینی منطقه‌ای نیز همانند واژه کارآفرینی، تعریف واحدی نداشته و در برخی موارد کارآفرینی منطقه‌ای به تعبیری از کارآفرینی تبدیل شده و در برخی موارد دیگر نیز آن را به کسب‌وکارهای کوچک ارجاع می‌دهند که در مناطق دارای رکود اقتصادی، عملیاتی شده و یا به ارائه خدمات می‌پردازند	(Jones, 2007)
بوسما و استرنبرگ نیز در تحقیقات خود اشاره می‌کنند که هنوز تا تولید یک نظریه مناسب یا حداقل مفهومی برای تشریح فرآیند کارآفرینی منطقه‌ای و دلایل و تأثیرات آن راه زیادی مانده است	(Bosma & Sternberg, 2014)
تامپسون (2012) با بیان اینکه تعریف متداولی از کارآفرینی منطقه‌ای وجود ندارد، ابراز می‌کند که کارآفرینی منطقه‌ای از تعریفی واحد و خاص برخوردار نیست اما گاهی اوقات در معنی کارآفرینی اقلیت و برخی زمان‌ها به معنی کسب‌وکارهای کوچک و یا ارائه گر خدمات در نواحی دچار رکود اقتصادی به‌کاربرده می‌شود	(Thompson, 2012)

کارآفرینی در سطح منطقه به دلایلی چون ۱- ماهیت بازار، ۲- ماهیت سیستم نوآوری و ۳- ماهیت فرهنگ، جامعه و نهادهایی که کسب‌وکارها در بستر آن تأسیس شده‌اند، متفاوت از چیزی است که در سطح ملی رایج است. در مطالعات منطقه‌ای، یافته‌ها و محدودیت‌های مربوط به عوامل ذکر شده بیانگر دو نیازمندی بالقوه می‌باشند:

- معرفی سیاست عمومی در قالب دامنه‌ای از مداخلاتی و مکانیزم‌های حامی
- معرفی سیستمی از حکمرانی سیاستی (Policy governance) جهت مداخلات مناسب و مکانیزم‌های حمایتی قوی (Huggins, 2015)

۲,۲ بنیان‌های نظری کارآفرینی به‌عنوان یک رویداد منطقه‌ای

امروزه پدیده کارآفرینی فاقد یک چارچوب مفهومی است (Shane and Venkataramn, 2000)، به‌طورکلی، این موضوع در مورد نظریه‌های کارآفرینی منطقه‌ای، در هر دو دیدگاه رایج، صحت دارد. از یک‌سو، تحقیقات در زمینه کارآفرینی به‌طورکلی پیامدهای مکانی را علی‌رغم اهمیت فزاینده آن در جنبه‌های زمینه‌ای و مفهومی کارآفرینی، نادیده می‌گیرد. از سوی دیگر، رشته‌هایی که در راستای موضوعات مکانی مانند علوم منطقه‌ای و یا جغرافیای اقتصاد، فعالیت و تحقیق می‌کنند، حتی به‌صورت نظری نیز به‌ندرت به کارآفرینی پرداخته‌اند (Malecki, 1997; Sternberg, 2004). در نتیجه، تعجبی ندارد که اکثر تحقیقات تئوریک کارآفرینی از نظریه‌هایی استفاده می‌کنند که در رشته‌ها و حوزه‌های علمی دیگری توسعه یافته و کم‌وبیش جای خود را در تحقیقات کارآفرینی باز کرده‌اند، اگرچه «همیشه برای سؤالات تحقیقی که روندها و سطوح تحلیلی را موردبررسی قرار می‌دهند و شایع‌ترین در تحقیقات کارآفرینی هستند، عملکردی بهینه ندارند» (Davidsson, 2006). کنی و پاتون (۲۰۰۵ ص ۲۲۵) نتیجه گرفته‌اند که «جغرافیای اقتصادی کارآفرینی» بحثی جذاب و زمینی حاصلخیز به‌منظور تحقیق در حوزه جغرافیای اقتصادی است؛ قطعاً نیاز است تا نظریه‌هایی بر روی عوامل و مبین‌های مکانی کارآفرینی آزمون، بهبود و توسعه داده شود (Kenney and Patton, 2005).

تحلیل فعالیت‌های استارت‌آپ و اشتیاق و گرایش برای راه‌اندازی شرکت‌های جدید، سالیان سال تنها شامل رویکردهایی می‌شد که بر بخش عرضه و عوامل فردی و شخصی مربوط به کارآفرین، با تأکید بر مشوق‌های راه‌اندازی یک شرکت، تمرکز می‌کرد. آن عوامل

تنها در تحلیل‌های تجربی کاربرد داشتند. به همین دلیل، در سال‌های اخیر عوامل تقاضا و محیطی (شامل عوامل منطقه‌ای) مورد توجه بیشتری قرار گرفته‌اند. این مطلب بیانگر این است که تنها عوامل فردی نمی‌تواند یک رویداد کارآفرینی را توضیح دهد و نیاز به بازه وسیع‌تری از عوامل زمینه‌ای و مفهومی است. در واقع، در نظر گرفتن عوامل محیطی به صورت کلان، شامل قرابت و نزدیکی مکانی ویژگی‌های محیط منطقه‌ای، رایج‌تر و محبوب‌تر شده است. از دیدگاه نظری، تحلیل مبین‌های مفهومی و زمینه‌ای کارآفرینی که به صورت ایجاد و خلق سازمان‌ها تعریف می‌شود، در مفهوم و یا رویکرد طرف تقاضا، مستتر و گنجانده شده است (Thornton, 1999).

منظور از اهمیت ابعاد منطقه‌ای کارآفرینی این نیست که تمامی فعالیت‌های کارآفرینانه تحت تأثیر شرایط و متغیرهای منطقه‌ای است و قطعاً مولفه‌های ملی نیز در توصیف فعالیت‌های کارآفرینانه اهمیت بسزایی دارند، بدین معنی که این شرایط بیشتر میان کشورها و نه میان مناطق مختلف یک کشور تغییر می‌کنند (مثلاً قوانین مالیاتی)؛ بعضی از شرایط نیز بر اساس ویژگی‌های افراد تعیین می‌گردند. با این وجود، طیف وسیعی از یافته‌های تجربی و نظری پیشنهاد می‌دهند که علاوه بر چارچوب ملی، شرایط بسیار دیگری وجود دارند که میان منطقه‌های مختلف یک کشور تغییر کرده و بر تصمیم افراد در خصوص خوداشتغالی تأثیرگذار هستند. واژه مصطلح «فضای کارآفرینانه» بسیاری از این مشخصه‌های منطقه‌ای را که حداقل قادر به تأثیرگذاری بر تصمیم افراد محلی به منظور راه‌اندازی و عدم راه‌اندازی یک استارت آپ و حتی موفقیت و شکست آتی یک استارت آپ است، را یکپارچه می‌سازد. وجود برنامه‌های حمایت از کارآفرینی، درک، دیدگاه و مهارت جمعیت در خصوص استارت آپ‌ها و یا وجود مراکز حمایت‌کننده و مروج استارت آپ‌ها اعم از دانشگاه‌ها با رشته‌های مرتبط و شرکت‌های نوآورانه، مثال‌هایی از این‌گونه مشخصه‌های منطقه‌ای زیر چتر فضای کارآفرینی هستند. بسیاری از تحلیل‌های تجربی (آدریش و فریچس ۱۹۹۴؛ رینولدز و همکاران ۱۹۹۴؛ نرلینگر، ۱۹۹۸) نشان داده‌اند که حداقل در مناطق و یا زمان‌هایی خاص، داده‌های جمع‌آوری شده منطقه‌ای اعم از ساختار سنی جمعیت، نرخ بیکاری، ساختار صنایع و یا ساختار اندازه‌ای شرکت‌ها می‌توانند گرایش منطقه‌ای در قبال راه‌اندازی استارت آپ‌ها را توضیح دهند. این مطالب همگی اثباتی بر شمول نظریه‌های کارآفرینی مکانی است.

۳. رویکرد نهادی

نهادها به زعم داگلاس نورث (۱۹۹۱)، محدودیت‌های «انسان ساختی» هستند که در تعاملات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آیند. محدودیت‌ها شامل دو نوع محدودیت غیررسمی (تحریم‌ها، تابوها، آداب و رسوم، سنت‌ها و کدهای رفتاری) و محدودیت‌های رسمی (قانون اساسی، حقوق مالکانه و...) می‌شود.

اقتصاد نهادی یک برنامه تحقیقاتی عینیت‌گرا (بر خلاف تئوری یا روش محور) است که سعی دارد نهادهای اجتماعی و پیامدهای آن را تا آنجا که به اقتصاد مربوط باشد درک کند (هاجسون، ۲۰۱۵). از این رو، اقتصاددانان نهادگرا سعی در درک پیچیدگی‌های مرتبط با پدیده‌های عینی زمان و مکان خاص دارند و به همین ترتیب، کمتر با تئوری سر و کار داشته در عوض جستجوی الگوها را مبنای اصلی کار خود قرار می‌دهند. با این وجود، این به معنای غیر نظری بودن اقتصاد نهادی نیست و این مکتب مشتمل بر نظریه‌های به اصطلاح میان رده است. همچنین پدیده‌های نهادی با توجه به کشف برخی از «حقایق جاودانه» ارزیابی نمی‌شوند (مانند قانون گرانش، در مورد سودمندی نظریه‌های عمومی در اقتصاد)، بلکه با توجه به ارزش عملی آن‌ها در تأثیرگذاری بر پدیده‌های دنیای واقعی از طریق طراحی نهادی، مقررات و مداخلات سیاستی ارزش‌گذاری می‌شوند (Hodgson, 2001-14-16). تمرکز بر پدیده‌های عینی و استراتژی تحقیقات اغلب القایی بدان معنی است که حقایق غیرتاریخی و متافیزیکی عمدتاً مردود هستند. از این رو، درک تاریخی از دانش علمی، اساس نظریه‌پردازی نهادگرایی است. بسیاری از نهادگرایان ادعا می‌کنند که جدایی ارزش‌ها از علم توصیفی نه عملی است و نه لزوماً مطلوب. در واقع، ارزیابی تمرین علمی با توجه به ارزش عملی آن از قبل نشان می‌دهد که نهادگرایان کارهای خود را در رابطه با جامعه به طور کلی‌تر می‌دانند (Elsner 2017). این بدان معنی است که نهادگرایان از درگیر شدن در سیاست یا شیوه‌های طراحی و تحول اجتماعی خودداری نمی‌کنند. به عنوان مثال، جان راجر کامونز، در بسیاری از کمیسیون‌های تحقیق صنعتی و همچنین در تهیه پیش نویس توافق نامه جدید و قانون کار و رفاه ایالات متحده در هر دو سطح فدرال و ایالتی شرکت داشته است (Elsner 2006).

۴. پیشینه پژوهش

دل مونتی و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهش خود با عنوان «کارآفرینی و نوآوری: ریشه‌ها تاریخی و تاثیر بر رشد منطقه‌ای» نشان دادند که سطح فعلی کارآفرینی منطقه‌ای نشأت گرفته از انباشت دانش و سرریزهایی است که به صورت تاریخی در مراکز علمی و دانشگاه‌های برخی مناطق وجود داشته است، به زعم این نویسندگان، دانش و خلاقیت علمی و در نهایت محیط فرهنگی، از عوامل مهم بروز رفتار کارآفرینانه در بلند مدت هستند. کارآفرینی و نوآوری نیز به نوبه خود تأثیر مثبتی در رشد اقتصادی منطقه‌ای دارد (Del Monte, Moccia and Pennacchio 2020)

فریچ و ریچ (۲۰۱۸)، در مقاله خود با عنوان «دانش منطقه‌ای، فرهنگ کارآفرینی و استارت آپ‌های نوآور در طی زمان»، چنین نتیجه گرفتند که وجود دانشگاه‌ها و نرخ خود اشتغالی در طول تاریخ در توسعه کارآفرینی منطقه‌ای آلمان در بازه ۱۹۰۷-۲۰۱۴ تأثیر فراوانی داشته است، لذا به زعم این محققین کارآفرینی منطقه‌ای پدیده‌ای بلند مدت است که در طول زمان و بستر تاریخ شکل می‌گیرد (Fritsch and Wyrwich, Regional knowledge entre preneurial culture, and innovative start-ups over time and pace—an empirical investigation 2018).

فرچ و ریچ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر کارآفرینی بر توسعه اقتصادی: تحلیل تجربی با استفاده از فرهنگ کارآفرینی منطقه‌ای» چنین نتیجه گرفتند که علی‌رغم تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که جوامع را در طی زمان متأثر می‌سازند، ساختار کسب و کارهای جدیدی که در سطح منطقه‌ای شکل می‌گیرد تا حد زیادی در طول زمان ثابت می‌ماند (Fritsch and Wyrwich 2017).

خان (۲۰۱۱)، در مقاله خود «حق ثبت اختراع و تشویق به عنوان مکانیسم‌ها تشویقی در بریتانیا: فهم رشد در بلند مدت» بر این نکته تأکید نموده است که احترام به حقوق مالکیت توسط صاحبان قدرت و سیاست‌گذاران از جمله مهم‌ترین پیشران‌های توسعه کارآفرینی در برخی مناطق ایالات متحده آمریکا و اروپا بوده است (Khan 2011).

به همین ترتیب فلوریدا (۲۰۰۴)، در مقاله خود با عنوان «طبقه خلاق و توسعه اقتصادی» چنین نتیجه‌گیری نموده که به لحاظ تاریخی، محیط فرهنگی و اجتماعی حامی دانش و خلاقیت منجر به توسعه ایده‌های جدید در سطح مناطق می‌شود. افراد خلاق به محیط‌هایی

جذب می‌شوند ساختار اجتماعی و فرهنگی (از جمله زبان، مذهب و غیره) حامی دانش علمی و تنوع بوده و حمایت‌های فرهنگی به وفور در آن یافت شود (Florida 2014)

همچنین به زعم نویسندگانی چون گلیزر، لاپورتا و دیسیلیانز (۲۰۰۴)، بروتن و همکاران (۲۰۱۰)؛ استودزر و همکاران (۲۰۱۸)؛ فرچ و ریچ (۲۰۱۹)؛ اوربانو و همکاران (۲۰۱۹)، ویژگی‌های محیطی در طول زمان و به سختی شکل می‌گیرند و تغییرات با آهستگی اتفاق می‌افتد. تاریخ، یک عنصر حیاتی در فهم تفاوت‌های کنونی اقتصاد در کشورها و مناطق مختلف است. مهم‌ترین دلیل برای چنین وابستگی به مسیری را می‌توان در میراث فرهنگی سراغ گرفت؛ وجود نهادهای رسمی و غیر رسمی مانند مقررات، قانون کار و قواعد «نانوشته بازی»؛ دانش و فرهنگ منطقه‌ای کارآفرینی که عمیقاً ریشه در تاریخ دارد

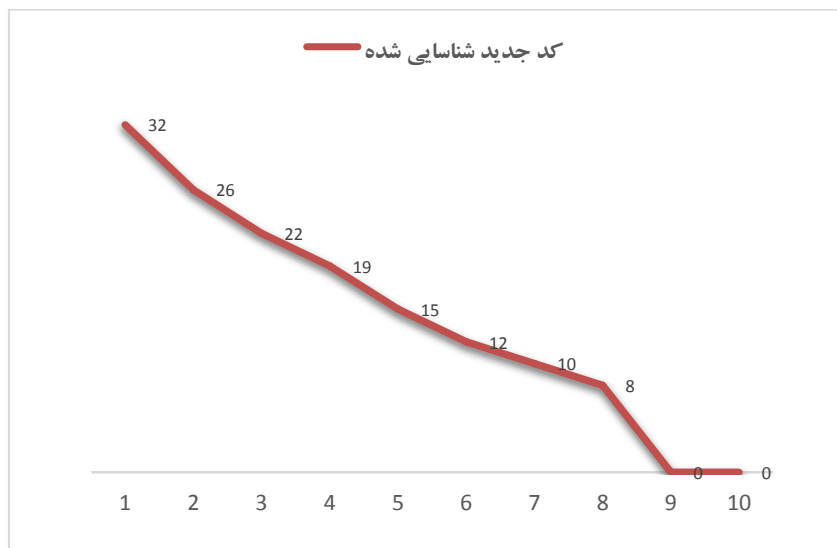
۵. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از دیدگاه هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی و از منظر گردآوری داده‌ها در رده تحقیقات توصیفی قرار دارد. در این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز، کتب و مقالات کلیدی منتشر شده در رابطه با نظام برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی ایران که عمدتاً مربوط به قبل از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ است شناسایی گردیده و با استفاده از رویکرد فراترکیب، به تحلیل و کدگذاری (باز و محوری)، محتوای مقالات پرداخته شد. مشخصات آثار بررسی شده در این پژوهش به شرح جدول زیر می‌باشد. لازم به توضیح است که سعی شده است تا ترکیبی از آثاری که توسط نویسندگان داخلی و خارجی نگاشته شده و باز زمانی وسیعی را در بر می‌گیرد انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. همچنین، لازم به ذکر است که متون بررسی شده گرچه در عنوان و در نگاه اول ارتباط مستقیمی به بحث کارآفرینی و کارفرینی منطقه‌ای ندارند ولی از آنجا که کارآفرینی یک زمینه مطالعاتی میان رشته‌ای است (Landström and Harirchi 2018) پژوهشگران پس از ماه‌ها مطالعه و بررسی، به این نتیجه رسیدند که آثار منتخب مهم‌ترین آثاری هستند که می‌توان ریشه‌های تاریخی عدم توسعه یافتگی کارآفرینی را نیز در کشور تشریح نمایند.

جدول ۲. منابع مورد استفاده

نویسنده	نام اثر	سال نگارش	زمان بررسی
۱	محمود سریع‌القلم	فرزان	۱۳۹۰-۱۳۴۴
۲	مورگان شوستر	اختناق ایران	۱۲۸۹-۱۲۹۰
۳	آرتور میلسپو	وضعیت مالی و اقتصادی ایران در دوره رضا شاه	۱۹۲۶-۱۹۲۷
۴	ای.آر.لینگمن	گزارشی درباره وضعیت مالی و بازرگانی ایران	۱۹۲۸-۱۹۰۰
۵	ای.آر.لینگمن	وضعیت اقتصاد ایران	۱۹۳۰-۱۹۳۱
۶	اس.سیموندز	وضعیت اقتصادی ایران	۱۹۳۵-۱۹۳۶
۷	آرتور میلسپو	ماموریت آمریکایی‌ها در ایران (۱۹۲۵)	۱۹۲۵-۰۶-۱۳۰۱
۸	آرتور میلسپو	آمریکایی‌ها در ایران (خاطرات دوران جنگ جهانی دوم) (۱۹۴۶)	۱۳۲۱-۲۳
۹	جرج بالدوین	برنامه‌ریزی و توسعه در ایران (تجربه گروه مشاوران هاروارد)	۱۳۳۷-۴۱
۱۰	فرانک سیف‌الدینی و موسسی پناهنده خواه	چالش‌ها و موانع برنامه‌ریزی توسعه منطقه ای در ایران.	۱۳۸۹ قبل و بعد از انقلاب اسلامی

برخلاف روش‌های نمونه‌گیری احتمالی که در آن‌ها هدف تعمیم نتایج از یک نمونه معرف به کل جامعه مورد پژوهش است در روش‌های کیفی چنین هدفی مدنظر نیست و معیار توصیف یا تبیین یک پدیده به مشروح‌ترین شکل ممکن است. بنابراین معیاری معرفتی می‌شود که در آن رسیدن به حداکثر اطلاعات در مورد پدیده به عنوان نقطه پایان در نظر گرفته می‌شود. این معیار در زمینه پژوهش‌های کیفی، اشباع نامیده می‌شود. استفاده از روش اشباع داده در پژوهش‌های کیفی به عنوان استاندارد طلایی پایان نمونه‌گیری در نظر گرفته می‌شود (رنجبر، و غیره، ۱۳۹۱). به عبارتی دیگر، اشباع نظری مرحله‌ای است که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید نمی‌آیند، مقوله گستره مناسبی می‌یابد و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید می‌شوند (Glaser, 1978). فرایند اشباع نظری به صورت خلاصه در نمودار زیر مشاهده می‌شود. در این نمودار، محور عمودی نشان‌دهنده تعداد مفاهیم جدیدی است که طی بررسی متون شناسایی گردیده است و محور افقی نشان‌دهنده شماره منبع بررسی شده است.



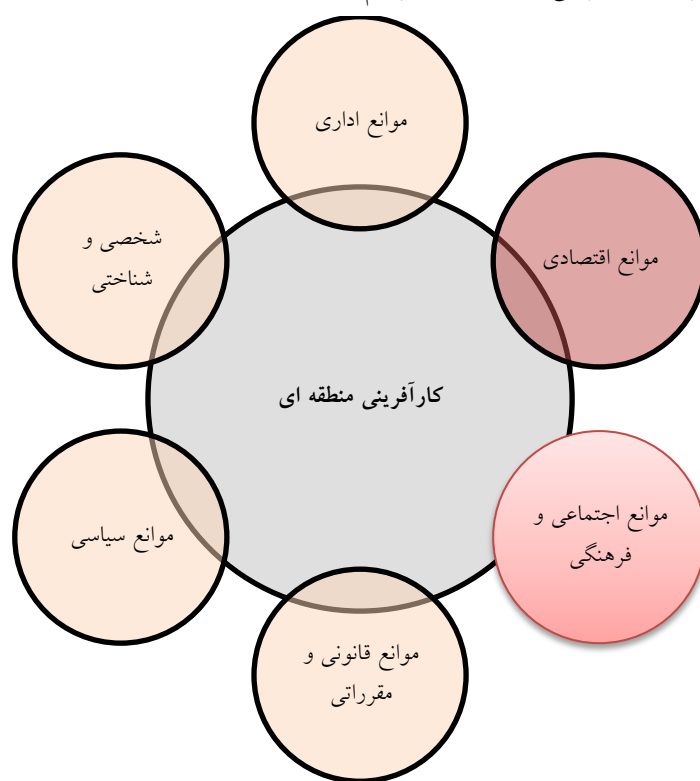
نمودار ۱. اشباع نظری

در این پژوهش، محققان از پایایی بازآزمون و روش توافق درون‌موضوعی برای محاسبه پایایی متون بررسی شده، بهره برده‌اند و برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر، محاسبه پایایی بازآزمون (شاخص ثبات) انجام شد. به عبارتی بعد از مرور چندین باره متون، چهار سند به عنوان نمونه، انتخاب و کدگذاری شدند و سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از متون با هم مقایسه شدند و نهایتاً درصد پایایی بازآزمون چهار سند منتخب انتخاب شده به ترتیب ۹۰، ۹۲، ۸۰، ۸۴ درصد به دست آمد که بیانگر تأییدپذیری این آزمون است.

۶. یافته‌های پژوهش

در این مرحله از مطالعه، داده‌های پژوهشی تحلیل می‌شود، در این تحقق به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، با اتخاذ رویکرد استقرایی در دو مرحله کدگذاری باز و محوری انجام یافته است (کدگذاری باز محوری). کدگذاری باز عبارت است از فرآیند خرد کردن، آزمون، مقایسه، مفهوم‌سازی و طبقه‌بندی داده‌ها (Strauss & Corbin, 1994, p. 281)، کدگذاری محوری از سویی دیگر به عنوان «فرآیند ارتباط دهی طبقات (با درجه بالاتری از انتزاع)، به زیر طبقاتی با انتزاع کمتر می‌باشد» عنوان محوری بدین جهت به این شیوه

کدگذاری داده شده است که در این رویکرد، کدگذاری، حول محور یک طبقه انجام می‌شود و طبقات و زیر طبقات را به یکدیگر و در سطح خصیصه‌ها و ابعاد مرتبط می‌سازد (Razmjoo & Nouhi, 2011, p. 184)، یا به عبارتی دیگر در مرحله کدگذاری محوری، پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به عنوان طبقه محوری انتخاب کرده، آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند، مورد کاوش قرار داده و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کند. بر اساس نتایج تحلیل ۱۴۴ کدباز و در سطح بالاتر ۶ کد محوری شناسایی گردیده است. شکل زیر نشان دهنده مهم‌ترین موانعی است که در طول زمان موجبات ضعف کارکردی کارآفرینی در کشور را فراهم نموده است.



شکل ۱. موانع نهادی توسعه کارآفرینی منطقه‌ای در ایران
منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه، هر یک از طبقات شناسایی شده به تفکیک مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱,۶ موانع سیاسی

عمده مشکلاتی که نظام توسعه کسب و کار را از منظر سیاسی متأثر می‌ساخته، مشتمل بر سیاست داخلی بوده است. چنانچه تحلیل متون نشان می‌دهد، نظام سیاسی ایران، در دوران قبل از انقلاب اسلامی قائم به فرد بوده و این فرد نیز از لحاظ سیاسی عملکرد ضعیفی داشته‌است و در برابر تقاضاهای نظامیان مقاومتی از خود نشان ندهد، از سوی دیگر قائم به شخص بودن نظام سیاسی باعث شده است که روابط قدرت در تمام کشور قائم به فرد شده و تمرکز امور سیاسی کل کشور در پایتخت کشور واقع شود. تعیین مقررات سخت‌گیرانه برای تشکیل گروه‌ها باعث شده که فعالیت کمونیست‌ها روز به روز افزایش یابد و فضای سیاسی کشور را دچار التهاب نماید و التهاب فضای سیاسی کشور یقیناً منجر به تخریب فضای کسب و کار و مانع تراشی برای فعالیت کارآفرینان شده است.

جدول ۲. کدهای باز مرتبط با طبقه محوری موانع سیاسی

کد	منبع کد									
	R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1
توقیف روزنامه‌ها و مطبوعات				*						*
محدود کردن فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در مواقع بحرانی				*			*	*	*	*
بی‌اطلاعی ذی‌نفعان سیاسی از نظام انتخاباتی مدرن			*		*					
تغییرات سریع و ناگهانی در کابینه دولت		*		*	*		*	*		
وجود استعفاهای متعدد نمایندگی اعضای دولت			*	*			*			*
پاسخگو بودن مسئولان در برابر دولت‌های دیگر تا مردم ایران										*
شورش‌های نظامی برای به دست گرفتن			*	*		*		*		

									سلطنت
		*				*			رقابت کینه توزانه جناح‌های سیاسی
	*		*		*		*	*	قائم به شخص بودن سرنوشت مردم
				*			*	*	عدم تشکیل دولت توسط اکثریت مجلس
		*				*			عدم اطلاع مردم از سازوکار حکومتی نوین (دموکراسی)
			*	*	*			*	ترجیح منافع شخصی به ملی در استفاده از قدرت
	*	*	*		*			*	اتکای و تعهد افراطی سیاسیون به تفاهم‌نامه با قدرت‌های بین‌المللی
*	*								زدویند مقامات دولتی از انبارهای گندم دولتی
		*	*		*				ایجاد شرایط سفته بازی برای وزرا و مقامات دولتی
						*	*	*	محدود نشدن پاسخ‌گویی دولت به حزب دارای اکثریت مجلس
						*		*	حساسیت مسئولین به هرگونه انتقاد مطبوعاتی
					*				عدم تفکیک قوا در تمامی سطوح اداری/دولتی

۲,۶ موانع قانونی و مقرراتی

موانع قانونی و مقرراتی از زمان‌های دور تا عصر فعلی یکی از مهم‌ترین موانع پیش روی توسعه کسب و کار و کارآفرینی بوده است. به لحاظ تاریخی نبود قوانین مدون و حامی

شناسایی موانع نهادی توسعه کارآفرینی منطقه‌ای در ... (بهمن خداپناه و دیگران) ۱۰۱

کسب و کار و نبود هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی کشور از عوامل اصلی تخریب محیط کسب و کار در کشور بوده است.

جدول ۳. کدهای باز مرتبط با طبقه محوری موانع قانونی و مقرراتی

منبع کد										کد	
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1		
*				*			*		*	نبود قوانین مقابله با جرائم مالی	قانونی و مقرراتی
	*				*				*	عدم اراده قوه قضاییه برای مبارزه با فساد	
				*			*			وجود نابسامانی گسترده در قوه قضاییه	
	*	*		*				*	*	همکاری قوه قضاییه با متخلفان	
*		*	**					*	*	منوط کردن برخورد با متخلفان به واکنش احساسات عمومی مردم	
									*	نبود قانون ممنوعیت احتکار محصولات	

۳,۶ موانع اداری

موانع اداری نیز به مانند سایر عوامل شناسایی شده، از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کسب و کارها از زمان قاجار تا به امروز بوده است. در واقع نظام سلسله مراتبی و غلبه نظام روابط بر ضوابط همیشه به عنوان مانعی جهت توسعه کسب و کار در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی بوده است.

جدول ۴. کدهای باز مرتبط با طبقه محوری موانع اداری

منبع کد										کد	
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1		
		*				*			*	فقدان جایگاه قانونی خاص برای برنامه ریزی منطقه ای	رویه های اداری
	*			*		*	*			عدم توجه به بعد توسعه شهری برنامه ریزی منطقه‌ای و ارتباط برنامه‌ریزی شهری با آن	

			*			*	*	*	تفویض هر بخش از فعالیتها به وزارتخانه‌های ذیربط و موازی کاری ها و اختلال در هماهنگی ها
*	*					*			عدم توجه به مزیت های منطقه ای در نظام برنامه ریزی
		*	*			*		*	عدم توجه به بعد توسعه شهری برنامه‌ریزی منطقه ای و ارتباط برنامه ریزی شهری با آن
	*				*	*	*	*	فقدان قدرت و اراده در حاکمیت محلی و منطقه ای
*			*		*				مقابله تمرکزطلبان و بخشگراهای پایتخت با تشکیل سازمانهای مشابه در دیگر استان ها
	*			*				*	عدم امکان ارتقا مردم عامه به مناصب عالی دولتی
*									توجه زیاد به مرکز و پایتخت محوری کشور و تمرکزگرایی
*									برنامه ریزی بالا به پایین مناطق و نگرش بخشی در برنامه ریزی ها
*									عدم توجه به مناطق مرزی و تجهیز امکانات به دلایل امنیتی
*									عدم توجه به مناسبت تجهیزات ارائه شده با محیط منطقه
*									نبود برنامه های آمایشی یکپارچه و بکار نیستن آن
*									تنزل هدف تصدی مقام به متفع کردن اطرافیان
						*		*	اولویت رابطه بر ضابطه در نظام استخدامی
					**			*	وجود هرج و مرج در نظام پرداخت حقوق‌ها
	*		*						انجام ملاقات های بی شمار مسئولان با یکدیگر
									تعداد بی شمار حقوق بگیران درباری
	*								عدم وجود مستندات فعالیت های اداری
*			*		*		*		عدم ارائه اطلاعات از سوی ادارات
		*	*				*	*	تقسیم مناصب بین خانواده‌های ذی‌نفوذ

شناسایی موانع نهادی توسعه کارآفرینی منطقه‌ای در ... (بهمن خدایانه و دیگران) ۱۰۳

		*	*		*		*	*	*	عدم اطمینان مدیران از بقای مدیریتی ایشان
			*	*	*	*	*			اعتصاب کارکنان برای جلوگیری از اصلاحات

۴,۶ موانع اقتصادی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم اینکه دولت ایران از کاهش ذخایر ارزی و وجود همزمان تورم و رکود اقتصادی و کمبود نقدینگی مستمر رنج می‌برد است، نظام اقتصادی با انحرافات متعددی در حوزه هزینه‌کردها روبرو بوده است و درآمدهای متنوع از قبیل درآمدهای گمرکی به بازپرداخت قرض‌های شاه و و درآمدهای نفتی نیز به پرداخت هزینه‌های جاری اختصاص می‌یابند و به سختی به امور توسعه‌ای صرف می‌شوند. از سوی دیگر زیرساخت‌های تولیدی اعم از مواد اولیه و قطعات یدکی نیز به خاطر مشکلات اقتصادی مهیا نشده‌اند.

جدول ۵. کدهای باز مرتبط با طبقه محوری موانع اقتصادی

منبع کد										کد	
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1		
						*				اخذ وام های سنگین از دولت های دیگر	اقتصادی
			*						*	ارائه‌ی دیون در قالب قبوض بلاسقف به ذی نفوذان سیاسی	
									*	تخصیص نصف بوجه ی کشور به ارگان‌های نظامی	
									*	آزاد بودن بانکها در ایجاد تعهد مالی برای دولت	
									*	عدم وضوح میزان درآمدهای ناشی از محل فعالیتهای	
								*	*	وجود وام های متعدد خارجی	
								*		عدم به روز رسانی آمار وضعیت اقتصادی و جمعیتی مناطق	
						*				هزینه انتقال پول معاملات در شهرها	
				*	*					تعیین عوارض گمرکی به نفع دولت دیگر	

									کم ارزش بودن بهای عوارض گمرکی	
			*			*			شکاف زیاد بین درآمدها و مخارج دولت	
	*				*				درآمد اندک عوارض گمرکی نسبت به هزینه های بالای نگهداری مرزها	
			*					*	بی ارزش بودن احداث راه آهن سراسری از نظر اقتصادی	
					*			*	تامین مالی بهره برداری از راه آهن سراسری	
*	*	*							عدم وجود دفاتر حساب مرکزی برای ترازدهی با سایر بانک ها	
									عدم وجود ضرابخانه های کارآمد	
*			*					*	عدم تناسب درآمد ناشی از اخذ مالیات با هزینه نارضایتی مردم	
		*		*	*			*	عدم وصول کامل مالیات	
			*	*				*	عدم صرفه اقتصادی اخذ مالیات از برخی کالاها	
	*							*	وجود مراجع متعدد اخذ عوارض و مالیات	
								*	منسوخ بودن نظام وضع مالیات	
				*	*	*			تامین بخش زیادی از مالیات در قالب اجناس	
*	*		*					*	عدم وجود ممیز محاسباتی مالی	
			*	*		*		*	عدم مشخص بودن میزان درآمدهای مالیاتی به تفکیک منطقه	
			*			*			نگارش کتابچه های مالیاتی به صورت گنگ و پیچیده	
									مشخص نبودن منابع مالیاتی	
								*	وجود حس مالکیت نسبت به کتابچه مالیاتی در مسئولان مالیاتی	
	*				*				موروثی بودن مسئولیت جمع آوری مالیات در کشور	
			*					*	کم بودن نسبت درآمد به مسئولیت مودیان مالیات	

۵,۶ موانع فرهنگی و اجتماعی

یافته‌های پژوهش حکایت از این واقعیت دارد که به لحاظ تاریخی، فضای اجتماعی ایران از مسائل مختلفی رنج برده است. به زعم بسیاری از نویسندگانی که آثار آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت، مردم ایران با فسادهای گسترده در همه سطوح زندگی ایشان عجین شده‌اند و این مهم در تقویت روحیه فرار مالیاتی گسترده نقش بسزایی ایفا کرده است و باعث کاهش سطح اعتماد عمومی در بین اهالی این کشور شده و به نوعی به تقویت فردگرایی انجامیده است. در ایران هنوز مردم فرهنگ مدرنیته و الزامات ناشی از آن را قبول نکرده‌اند و به حقوق خود نیز آشنا نیستند و از همین روی درخواست‌ها و تقاضاهای خود از سیستم اداری را به گونه‌ای ملتسمانه و نه از روی احقاق حقوق برحق خود درخواست می‌کنند و این امر نیز در ادبیات تجربی و نظری یکی از موانع اصلی توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه است.

جدول ۶. کدهای باز مرتبط با طبقه محوری موانع فرهنگی و اجتماعی

منبع کد										کد	
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1		
										تضاد میان عرف و شرع	فرهنگی و اجتماعی
	*			*						نبود قدرت و توان استدلال در ایرانیان در طول تاریخ	
							*			فردگرایی بودن اقتدارگرایی در ایران	
			*	*			*		*	تندمزاجی و واکنش شدید در برابر اشتباه دیگران	
										جو سازی علیه یکدیگر	
		*							*	عدم الگو برداری از نمونه‌ها و کشورهای موفق	
										تعطیل بودن اخلاق در اکثر مناسبات اجتماعی	
								*		علاقه کم به تغییر و تحول	
										ضعف در ایجاد و حفظ روابط پایدار	
	*			*		*				محدود بودن نهضت فکری و قانون خواهی، جنبش شهری و روشنفکری در میان ایرانیان	
*		*	*	*					*	فراافکنی گسترده و همه جانبه	

*		*			*		*	*	وجود مبانی اندیشه بومی (باستانی) و اسلامی (فرهنگ ریشه دار روحانیت) از یک طرف و اندیشه غربی از طرف دیگر
			*			*			عصبانی شدن سریع
			*		*				عدم تمایل به یادگیری از یکدیگر
	*								فقدان یک سیستم و دستگاه فکری مشخص
						*		*	تنوع ورود و خروج دائمی مکاتب فکری و جهان بینیها در جامعه
									تمایل در بر هم زدن توافقاتها
						*			لذت بردن از تخریب یکدیگر
			*						توجه زیاد به مرکز و پایتخت محوری کشور و تمرکز گرایی
							*		روح جمعی و مشارکت در کار
						*			روابط سالم و انسانی
			*	*					پشتکار و جدیت در کار
		*	*	*					دلبستگی و عنقه به کار در بین نیروی انسانی
								*	روحیه مشارکت جمعی
*		*	*	*	*			*	انسجام روابط اجتماعی
		*	*	*	*			*	فرهنگ فعال گرایی در برابر انفعال گرایی
		*	*	*	*			*	فرهنگ خردگرایی در برابر تقدیرگرایی
*		*	*	*					فرهنگ همگرایی و عام گرایی در برابر واگرایی و خاص گرایی
		*	*			*		*	ترویج فرهنگ تقاضا برای محصولات داخل استان در بین نیروی انسانی و خانوارهای استان های هدف در برابر فرهنگ مصرف کالاهای خارجی
*	*	*	*			*			درجه تأیید یا عدم تأیید رفتار کارافرینانه

شناسایی موانع نهادی توسعه کارآفرینی منطقه‌ای در ... (بهمن خداپناه و دیگران) ۱۰۷

			*		*	*	*	*		ثبات مالی و پیشینه خانوادگی
										طبقه و گرایش های مذهبی

۶,۶ موانع شخصی و شناختی

براساس یافته‌های تحقیق، الگوی نهادی ناظر بر موانع توسعه کارآفرینی در شکل شماره (۱) ارائه شده است. این الگو بیان کننده این حقیقت است که توسعه کارآفرینی منطقه‌ای نیازمند نگاه مبتنی بر رویکرد سیستمی است که مدیریت سنتی از آن غافل بوده است.

جدول ۷. کدهای باز مرتبط با طبقه محوری موانع شخصی و شناختی

منبع کد										کد	شناختی و شخصی
R10	R9	R8	R7	R6	R5	R4	R3	R2	R1		
*		*	*	*	*			*		فقدان اعتماد به نفس	
					*	*	*	*		فقدان شبکه سازی و وابستگی با دیگران	
	*	*	*			*		*		نبود انگیزه	
		*	*	*	*		*			فقدان صبر	
		*				*			*	ناتوانی در رویا پردازی	

۷. نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی موانع نهادی توسعه کارآفرینی به صورت کلی و کارآفرینی منطقه‌ای به صورت خاص در ایران بود، از همین روی، ۱۰ اثر که شامل ۹ کتاب و یک مقالات نگاشته شده توسط نویسندگان و در بازه زمانی مختلف انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موانع ناشی از پدیده برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی از سایر جوانب به خصوص مداخلات دولت‌های بیگانه شکایت شروع گردیده اما به مرور زمان موانع مستقیم برنامه‌ریزی توسعه بروز و ظهور پیدا کرده‌اند. پژوهش حاضر از این منظر که مشکلات توسعه کارآفرینی و کارآفرینی منطقه‌ای را از منظر تاریخی مورد بررسی قرار داده است اولین پژوهش انجام شده می‌باشد و به همین دلیل مقاله یا پژوهشی که قابلیت مقایسه (محتوا، روش انجام و نتایج) را با مقاله حاضر داشته باشد وجود ندارد ولی برخی از پژوهش‌هایی که از بعضی جهات با پژوهش حاضر شبیه هستند که به تحلیل آن می‌پردازیم. دل مونت و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهش خود

سطح فعلی کارآفرینی منطقه‌ای را نشأت گرفته از انباشت دانش و سرریزهایی می‌دانند که به صورت تاریخی در مراکز علمی و دانشگاه‌های برخی مناطق وجود داشته است. یافته‌های این پژوهش از برخی جهات با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد، برای مثال، نبود نظام فکری منسجم در تاریخ ایران در راستای توسعه کارآفرینی از جمله موانعی است که در پژوهش حاضر به آن اشاره شد. همچنین یکی از نقاط اشتراک پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها از جمله دل‌موتی و دل (۲۰۲۰)؛ فریچ و رچ (۲۰۱۸)؛ فریچ و رچ (۲۰۱۷)؛ فلوریدا (۲۰۰۴)، این است که همه پژوهش‌ها کارآفرینی منطقه‌ای را پدیده‌ای می‌دانند که در طول تاریخ و در بلند مدت توسعه یافته و یا مغفول می‌ماند. در واقع اینکه در زمان فعلی آمارهای جهانی حوزه کارآفرینی و اقتصاد مانند شاخص سهولت انجام کسب و کار (DB)، شاخص دیدبان جهانی کارآفرینی (GEM)، شاخص رقابت‌پذیری (WCI) و غیره حکایت از وضعیت نابسامان فعالیت‌های کارآفرینانه در ایران دارد صرفاً به زمان حال و شرایط فعلی کشور. مناطق مربوط نبوده و نیاز به بررسی عمیق‌تر این پدیده در بستر تاریخ دارد. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، در ادامه، پیشنهاداتی را از منظر سیاستی و کاربردی ارائه خواهیم داد.

- باورها و ارزش‌های فرهنگی در سطح مناطق مختلف کشور به طور تاریخی به گونه‌ای بوده که مانع بروز رفتار کارآفرینانه شده است. در واقع؛ نوعی روحیه کارمندی و ریسک‌گریزی در بین اکثریت مردم ایران رواج پیدا نموده که گذار از این مرحله تغییر در مدل‌های ذهنی مردم را می‌طلبد. لذا پیشنهاد می‌گردد تا با فرهنگ‌سازی کسب و کار و کارآفرینی در همان سال‌های آغازین مدرسه در بین کودکان و نوجوانان، قدم در مسیر توسعه و تغییر مدل‌های ذهنی افراد جامعه به سمت کارآفرینی گام برداشته شود.
- پیشنهاد می‌گردد تا با بستر سازی مناسبی برای مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی و منطقه‌ای انجام پذیرد، چرا که از این طریق می‌توان، حس تعلق کارآفرینان به مناطق را بیشتر نموده و نرخ مهاجرت افرادی که ایده پرداز بود و پتانسیل سرمایه‌گذاری و کارآفرینی دارند را کاهش داد.
- با توجه به یافته‌های پژوهش، بوروکراسی اداری به عنوان مانعی بزرگ و پیچیده بر سر راه توسعه کارآفرینی منطقه‌ای است؛ پیشنهاد می‌گردد با تغییر رویکرد حاکمان محلی و منطقه‌ای، ساختار نهادی به گونه‌ای اصلاح شود که کارکرد فساد ستیزی پیدا

شناسایی موانع نهادی توسعه کارآفرینی منطقه‌ای در ... (بهمن خداپناه و دیگران) ۱۰۹

نموده و امکان استفاده از رانت‌های اطلاعاتی و ترویج فسادهای اداری را به کمترین حد ممکن برسد.

- یافته‌های پژوهش حکایت از این واقعیت دارد که حاکمی محلی و منطقه‌ای به صورت تاریخی از قدرت و اختیارات کافی برخوردار نبوده‌اند، در حالی که بررسی تجربه سایر کشورها نشان دهنده این حقیقت است که قدرت و اختیار مقامات محلی و منطقه‌ای نقش بسزایی در توسعه کارآفرینی منطقه‌ای دارد، لذا پیشنهاد می‌گردد، با اتخاذ سیاست‌هایی نوین، اختیارات مقامات محلی و منطقه‌ای را در زمینه بهبود محیط کسب و کار افزایش داد.

- سیستم قانون‌گذاری کسب و کار بایستی به گونه‌ای باشد که متناسب با مزیت منطقه‌ای بوده و رویکرد تسهیلگری داشته باشد. این مهم، به ویژه در رابطه با حقوق مالکیت مادی و معنوی که یکی از شاخص‌های اصلی توسعه کارآفرینی در سطح منطقه‌ای و ملی است از اهمیت دو چندانی برخوردار است و سیاست‌گذاران بایستی مقررات مناسبی را جهت حمایت از حقوق مالکیت تدوین نمایند.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول مقاله (بهمن خداپناه) می‌باشد

کتاب‌نامه

سیف‌الدینی، ف. (۱۳۸۹). «چالش‌ها و موانع برنامه ریزی توسعه منطقه ای در ایران». پژوهش‌های جغرافیایی انسانی شماره ۷۳، ۸۳-۹۸.

فرجی زاده، خ، کاظمیان، غ، و رکن‌الدین افتخاری، ع. (۱۳۸۴). «آسیب شناسی سیاست‌های توسعه منطقه ای در ایران از دیدگاه رویکرد نهادگرایی». فرایند مدیریت و توسعه ۲۶(۲)، ۲۷-۵۶.

Alia, Abdul , ADonna J Kelleya, and Jonathan Levieb.)2019(. "Market-driven entrepreneurship and institutions." Journal of Business Research 1-12.

Andersson, S, and M Koster.) 2011(. "Sources of persistence in regional start-up rates—evidence from Sweden " Journal of Economic Geography, 11(1) 179-201.

Andreas, Rauch, J. W. Webb, T. A Khoury, and M. A Hitt.) 2020(. "The influence of formal and informal institutional voids on entrepreneurship." Entrepreneurship Theory and Practice, 44(3) 504-526.

- Audretsch, D., & Fritsch, M. (2003). "Linking entrepreneurship to growth: The case of West Germany". *Industry and Innovation*, 10(1), 65-73.
- Bosma, N., & Sternberg, R. (2014). "Entrepreneurship as an urban event? Empirical evidence from European cities". *Regional studies*, 48(6), 1016-1033.
- Bruton, G. D, D Ahlstrom, and L Li, H.)2010(. "Institutional theory and entrepreneurship: where are we now and where do we need to move in the future ".?Entrepreneurship theory and practice, 34(3) 421-440.
- Davidsson, P. (2006)." Nascent entrepreneurship: empirical studies and developments". Now publishers inc.
- Del Monte, A, S Moccia, and L Pennacchio.) 2020(. "Regional entrepreneurship and innovation: historical roots and the impact on the growth of regions ".Small Business Economics 1-23.
- Elsner, W. (2007, April). "Why meso? On "aggregation" and "emergence", and why and how the meso level is essential in social economics". In *Forum for Social Economics* (Vol. 36, No. 1, pp. 1-16). Springer Netherlands.
- Elsner, W.) 2017(. "The institutionalist theory of institutional change revisited: the institutional dichotomy in a more formal perspective ". *Journal of institutional studies*, 9(2) 6-17.
- Florida, R.)2014(. "The creative class and economic development ".*Economic development quarterly*, 28(3) 196-205.
- Fried, V. H.)2003(. "Defining a forum for entrepreneurship scholars ". *Journal of Business Venturing*, 18(1) 1-11.
- Fritsch, M, and M Wyrwich.) 2017(. "The effect of entrepreneurship on economic development—an empirical analysis using regional entrepreneurship culture ".*Journal of Economic Geography*, 17(1) 157-189.
- Fritsch, M, and M Wyrwich.) 2018(. "Regional knowledge entre preneurial culture, and innovative start-ups over time and pace—an empirical investigation." *Small Business Economics*, 51(2) 337–353.
- Fritsch, M, and M Wyrwich.)2019(. "Regional trajectories of entrepreneurship, knowledge, and growth ".*International Studies in Entrepreneurship*, 40 .
- Glaeser, E. L, R La Porta, and F. L De-Silanes.)2004(. "Do institutions cause growth?" *Journal of Economic Growth*, 9 271 –303.
- González-López, M, B. T Asheim, and Carre Sánchez. (2019). "New insights on regional innovation policies ".*Journal: the European journal of Social Science Research* 1-7.
- Huggins, r. (2015). "Regional entrepreneurship and the evolution of public policy and governance: Evidence from three regions". *Journal of Small Business and Enterprise Development*, Volume: 22 Issue: 3.
- Kennedy, M., & Patton, D. (2005). "Entrepreneurial geographies: Support networks in three high-technology industries". *Economic geography*, 81(2), 201-228.
- Khan, B. Z.)2011(. "Premium Inventions Patents and Prizes as Incentive Mechanisms in Britain and the. Understanding Long-Run Economic Growth ".*Geography, Institutions, and the Knowledge Economy*, 205 .

- Landström, H, and G Harirchi.)2018(. "The social structure of entrepreneurship as a scientific field ". *Research Policy*, 47(3) 650-662.
- Lundstrom, A, and L. A Stevenson.)2005(. "Entrepreneurship policy—Definitions, foundations and framework ". *Entrepreneurship policy: Theory and practice* 41-116.
- Pike , A, A Rodriguez-Pose, and J Tomaney.)2006 (.)Local and regional development. London: Rutledge.
- Reynolds, P., Storey, D. J., & Westhead, P. (1994). "Cross-national comparisons of the variation in new firm formation rates". *Regional studies*, 28(4), 443-456.
- Rindova, V., Barry, D., & Ketchen Jr , D. (2009)." Entrepreneuring as emancipation ". *Academy of management review*, 34(3), 477-491.
- Roundy, P., & Dutch , F. (2018). "Dynamic Capabilities and Entrepreneurial Ecosystems: The Micro-Foundations of Regional Entrepreneurship". *The Journal of Entrepreneurship*, 1-27.
- Sandelowski, M, and J Barroso.)2006(. *Handbook for synthesizing qualitative research* . Springer Publishing Company.
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2006). *Handbook for synthesizing qualitative research* . Springer Publishing Company.
- Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). "The promise of entrepreneurship as a field of research". *Academy of management review*, 25(1), 217-226.
- Stuetzer, M, D. B Audretsch, and M Obschonka.)2018(. " Entrepreneurship culture, knowledge spillovers and the growth of regions ". *Regional Studies*, 52(5) 608-618.
- Thornton, P. H. (1999). "The sociology of entrepreneurship". *Annual review of sociology*, 25(1), 19-46.
- Walsh, D, and S Downe.) 2005(. "Meta- synthesis method for qualitative research: a literature review." *Journal of advanced nursing*, 50(2) (204-211) 204-211.